

## ارتباط فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان با نقش میانجی احساس تعلق به مدرسه

سیروس حدادنیا<sup>۱\*</sup>

سیده زینب میرطالیبیان<sup>۲</sup>



### چکیده

هدف از انجام این مطالعه، بررسی ارتباط فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان با نقش میانجی احساس تعلق به مدرسه دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون بود. این تحقیق بر حسب هدف، کاربردی و همچنین از نظر ماهیت و روش، توصیفی - همبستگی و از لحاظ زمانی، مقطعی بود. جامعه آماری در این مطالعه، کلیه دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون (۳۵۰۰ نفر) بوده که با استفاده از جدول مورگان-کرجسی، تعداد نمونه آماری حدود ۳۴۶ نفر در نظر گرفته شد و روش نمونه گیری، تصادفی ساده بود. در این مطالعه از پرسشنامه های استاندارد تعلق به مدرسه موتون و همکاران (۲۰۱۳)، سلامت روانی کیز (۲۰۰۲) و فرهنگ مدرسه گرونرت و ولنتاین (۱۹۹۹) استفاده شد. روایی محتوایی هر سه پرسشنامه توسط صاحب نظران تأیید گردید و پایایی آن پس از اجرای آزمایشی بین ۳۰ نفر از دانش آموزان به وسیله محاسبه آلفای کرونباخ برای سه پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ تعیین گردید. به منظور پاسخ به سوال های تحقیق از آزمون های همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر و نرم افزارهای SPSS و Amos استفاده شد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داده فرهنگ مدرسه و تعلق به مدرسه با سلامت روان دانش آموزان رابطه معناداری داشت. همچنین؛ بین فرهنگ مدرسه و تعلق به مدرسه رابطه معناداری برقرار بود. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که تعلق به مدرسه در رابطه بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان، نقش واسطه ای داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پایه جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: فرهنگ مدرسه، سلامت روان، تعلق به مدرسه.

۱. استادیار رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نورآباد ممسنی، نورآباد ممسنی، ایران.

\* نویسنده مسئول، [S\\_Hadadnia@yahoo.com](mailto:S_Hadadnia@yahoo.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، نورآباد ممسنی، ایران.

## مقدمه

مدارس محیط های کلیدی برای ارتقای سلامت هستند و مفهوم مدرسه مروج سلامت در سطح جهانی حمایت شده است (سازمان جهانی سلامت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). این رویکرد کل نگر نه تنها شامل آموزش بهداشت از طریق برنامه درسی می شود، بلکه شامل داشتن یک محیط مدرسه اخلاقی است که برای سلامتی و رفاه مفید است و با تعامل با خانواده ها و جامعه وسیع تر، اهمیت این محیط وسیع تر در حمایت از سلامتی کودکان و جوانان را درک می کند. تقریباً نیمی از اختلالات روانی بزرگسالان در دوران نوجوانی شروع می شوند، و این سال های اولیه زندگی را به زمان کلیدی برای مداخله برای حمایت از سلامت روان<sup>۲</sup> و پیشگیری یا کاهش پیامدهای بد سلامت روان تبدیل می کند (لنفورد<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). سلامت روان دانش آموزان می تواند با عوامل متعددی از جمله فرهنگ مدرسه<sup>۴</sup> و تعلق به مدرسه<sup>۵</sup> در ارتباط می باشد. محیط مدرسه اغلب "فرهنگ مدرسه" یا "جو مدرسه" نامیده می شود. هر دو در ادبیات آموزشی استفاده شده و هر دو اغلب جنبه های متفاوت و مبهم اخلاق و محیط مدرسه را در بر می گیرند. ون هووت و ون ماله<sup>۶</sup> (۲۰۲۱) معتقدند «جو» گسترده تر از این دو ساختار است که زیرساخت ها، ترکیب اجتماعی، محیط فیزیکی و خود فرهنگ را در بر می گیرد، در حالی که «فرهنگ» بر مفروضات، باورها، هنجارها و ارزش های مشترک در مدرسه متمرکز است. اصطلاح «فرهنگ» به مراتب بیشتر از «جو» با محیط مدرسه مرتبط است. ما از «فرهنگ» استفاده می کنیم تا حس گسترده ای از هنجارها، ارزش ها و روابط مشترک ویژه هر مدرسه را به تصویر بکشیم، و همچنین اینکه چگونه احساس تعلق، ایمنی و حمایت دانش آموزان تحت تأثیر زیرساخت ها و ترکیب اجتماعی مدارس قرار می گیرد. فرهنگ مدرسه مثبت با رشد مثبت کودک و نوجوان، پیشگیری از خطر مؤثر و تلاش های ارتقای سلامت، با شواهد گسترده ای برای تأثیر بر سلامت روان دانش آموزان مرتبط است (جسیمان<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). دانش آموزان بخش زیادی از زمان خود را در مدرسه می گذرانند که هم عامل خطر و هم عامل محافظتی برای سلامت روان آنها است. فرهنگ مدرسه حمایتی می تواند با ایجاد تجارب ایمنی و تعلق در بین کارکنان و دانش آموزان، سلامت روان را ارتقا دهد و از آنها محافظت کند (رنجدوست و نوبری امین، ۱۴۰۱). تعلق اولین بار در تئوری سلسله مراتب نیازها که توسط روانشناس آمریکایی مزلو ارائه شد، ارائه شد. برای خودشکوفایی نیاز به تعلق به تمایل فرد برای پیوستن به یک گروه و مراقبت از او و همچنین مراقبت از دیگران اشاره دارد. احساس تعلق به مدرسه ترکیبی از دو احساس در نظر گرفته می شود: زمانی که دانش آموزان احترام، مشارکت، حمایت و غیره را از سوی معلمان و دوستان خود تجربه می کنند و احساس دیگر زمانی که احساس می کنند بخشی از مدرسه هستند. محققان نیز استدلال کرده اند که احساس تعلق به مدرسه بیشتر بر احساسات مثبت دانش آموزان متمرکز است، یعنی احساس احترام و راحتی در مدرسه، احساس پذیرش در مدرسه، داشتن احساس ارزشمندی و یکی شدن با کلاس یا مدرسه (ژیانگ پنگ<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۲۳). احساس تعلق به مدرسه، به عنوان نوع رابطه دانش آموزان با مدرسه تعریف شده است که برای پیشرفت آنان ضرورت دارد. همچنین احساس تعلق به مدرسه به عنوان کیفیت ارتباط و احساس همبستگی دانش آموزان با همکلاسی ها و معلمان تعریف می شود که به طور غیرمستقیم با موفقیت تحصیلی دانش آموزان ارتباط دارد. این مفهوم به این موضوع اشاره دارد که دانش آموزان چه احساسی نسبت به مدرسه خود دارند و تعلق که با همسالان، معلمان و کادر آموزشی مدرسه برقرار می کنند، چگونه است (بدری گرگری و همکاران، ۱۴۰۲). یافته ها در پژوهشی های گذشته نشان می دهد بین محیط و سلامت روان و آموزش

- 1- World Health Organization
- 2- Mental health
- 3 - Lenford
- 4 - School culture
- 5 - Belong to school
- 6- Van Houtte & Van Maele
- 7- Jessiman
- 8- Xianpeng

و سلامت روان ارتباط معنی داری وجود دارد (فتاحی نافچی و گروسی، ۱۴۰۲). همچنین در پژوهشی دیگر با عنوان بررسی فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان توسط رنجدوست و نوبری امین (۱۴۰۱)، نتایج نشان می دهد که فرهنگ مدرسه بر سلامت روان دانش آموزان تاثیرگذار است. فکوری کلیدبری (۱۴۰۲)، نیز در مطالعه ای به بررسی نقش مدارس و بهداشت و سلامت روان دانش آموزان پرداخته اند. نتایج نشان داد مدرسه فضای اجتماعی خاصی است که آموزش، پرورش و رشد شخصیت کودکان که جامعه ساز فردا هستند، در پناه روش های صحیح و مناسب آموزش، محیط فیزیکی مطلوب و محیط روانی مساعد آن پایه گذاری و اداره می شود. نیکدل تیموری و جنابادی (۱۳۹۹)، در مطالعه ای به بررسی نقش فرهنگ مدرسه در پیش بینی احساس تعلق به مدرسه دانش آموزان پرداختند. نتایج نشان داد: فرهنگ مدرسه تاثیر بسزائی بر احساس تعلق به مدرسه دانش آموزان ایفا می کند. آلن<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۴)، در پژوهشی اقدام به بررسی پیامدهای مربوط به مدرسه و سلامت روان نوجوانان نموده اند. نتایج بیانگر این نکته می باشد که تعلق به مدرسه، که گاهی به آن تعلق مدرسه یا ارتباط مدرسه نیز گفته می شود، شامل ابعادی مانند تأثیر مثبت نسبت به مدرسه، روابط با معلمان و احساس ارزش اجتماعی است. بارکر<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۳)، در مطالعه ای به بررسی اهمیت فرهنگ مدرسه در حمایت از سلامت روان دانش آموزان در مدارس متوسطه پرداختند. نتایج نشان می دهد، مدارس این پتانسیل را دارند که مکان آموزشی و پناهگاهی برای کودکان و جوانان با هر پیشینه ای فراهم کنند. یافته های کلیدی شامل تفاوت های قابل توجه در تأمین بهداشت روانی مدرسه، چالش ها در شناسایی نیازهای سلامت روان دانش آموزان و اهمیت شناخت چگونگی سلامت روان معلمان باید در کنار سلامت دانش آموزان در نظر گرفته شود جسیمان<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۲)، در مطالعه ای به بررسی رابطه فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان: در مدارس متوسطه انگلستان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که پاسخ دهندگان عناصری از فرهنگ مدرسه را شناسایی کردند که در چهار بعد همسو بودند. ساختار و زمینه، سازمانی و دانشگاهی، جامعه و ایمنی و پشتیبانی. شواهد محکمی از وابستگی متقابل چهار بعد در شکل دادن به فرهنگ یک مدرسه وجود داشت. کارکنان مدرسه که به دنبال شکل دهی و بهبود فرهنگ مدرسه به عنوان وسیله ای برای ارتقای سلامت روان دانش آموزان هستند، اگر این وابستگی متقابل به رسمیت شناخته شود و پیشرفت ها در هر چهار بعد مورد توجه قرار گیرد، ممکن است نتایج بهتری داشته باشند.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهشی، رسیدن به اهداف آموزشی که مدارس به عنوان اهداف اساسی خود به آن ها توجه دارند، مستلزم تامین بهداشت روانی دانش آموزان است از آنجا که بسیاری از مشکلات تربیتی و اختلالات روانی را کودکان از محیط خانه و مدرسه کسب می کنند و علت آن نیز الگوهای رفتاری ناسالمی است که در اطراف خود مشاهده می کنند. اگر قصد ما، داشتن مدرسی با عملکرد تحصیلی بالا و رضایت بخش است، باید به سلامت جسم و روان دانش آموزان به طور همزمان توجه کنیم. بسیاری از مشکلات روانی - اجتماعی کودکان و نوجوانان، تاثیر مستقیم بر روند یادگیری و تحصیل آن ها می گذارد و موجب کاهش و ضعف استعدادها و توانایی های آنان در مدرسه و به دنبال آن بدرفتاری ها و شکست های تحصیلی می شود. لذا، هدف از این مطالعه مدلسازی نقش تعلق به مدرسه در رابطه بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون می باشد و مسئله اصلی تحقیق به شکل ذیل مطرح شده است: آیا تعلق به مدرسه در رابطه بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون، نقش واسطه ای دارد؟ با توجه به مسئله اصلی پژوهش می توان فرضیات زیر را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار، داد.

- تعلق به مدرسه در رابطه بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان ابتدایی شهرستان کازرون، نقش واسطه ای دارد.
- بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تعلق به مدرسه و سلامت روان دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون رابطه معناداری وجود دارد.
- بین فرهنگ مدرسه و تعلق به مدرسه دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون رابطه معناداری وجود دارد.

1- Allen

2- Barker

3- Jessiman

## روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی است. با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و فرضیه های مربوطه، روش اجرای تحقیق توصیفی بود. جامعه آماری در مطالعه حاضر، کلیه دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون می باشد. بنابر اطلاعات موجود تعداد کل جامعه آماری در این پژوهش ۳۵۰۰ نفر می باشند. با توجه به جدول مورگان، حجم نمونه آماری حدود ۳۴۶ نفر در نظر گرفته شد. با توجه اینکه در این مطالعه هم دانش آموزان دختر و هم پسر مورد مطالعه قرار خواهند گرفت، لذا روش نمونه گیری تصادفی ساده، بود. در این تحقیق از روش های کتابخانه ای و میدانی جهت گردآوری اطلاعات استفاده شد. در این مطالعه از ۳ پرسشنامه تعلق به مدرسه موتون، دی وایت و گلایزیر<sup>۱</sup> (۱۰۱۳)، پرسشنامه سلامت روان کیز<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، و پرسشنامه فرهنگ مدرسه گرونرت و ولنتاین<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) استفاده شد. جهت سنجش روایی صوری و محتوایی پرسشنامه ها ابتدا پرسشنامه های مذکور به رویت استاد راهنما و سایر اساتید برجسته حوزه مدیریت رسانده شد و نتیجه روایی صوری و محتوایی پرسشنامه ها مورد تایید قرار گرفت. و جهت سنجش پایایی پرسشنامه ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. با استفاده از نرم افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردیده که مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای هر سه پرسشنامه ها به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ بدست آمد. اطلاعات بدست آمده بوسیله نرم افزارهای SPSS و Amos تحلیل و کلیه داده های تحقیق، به دو روش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور تعیین نرمال و یا غیر نرمال بودن داده ها، از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف استفاده و به تناسب نتیجه این آزمون، از آزمون های استنباطی نظیر همبستگی پیرسون، معادلات ساختاری و تحلیل مسیر استفاده شد.

## یافته ها

به منظور بررسی رابطه بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان

متغیرها	فرهنگ مدرسه	رهبری همیارانه	مشارکت معلمان	توسعه حرفه ای	وحدت هدف	حمایت همکاران	یادگیری اشتراک	سلامت روان
فرهنگ مدرسه	۱							
رهبری همیارانه	۰/۵۲۶**	۱						
مشارکت معلمان	۰/۵۰۷**	۰/۴۶۸**	۱					
توسعه حرفه ای	۰/۴۹۴**	۰/۴۳۹**	۰/۴۴۳**	۱				
وحدت هدف	۰/۵۰۲**	۰/۴۱۷**	۰/۴۳۹**	۰/۴۸۷**	۱			
حمایت همکاران	۰/۴۸۳**	۰/۴۵۸**	۰/۵۱۷**	۰/۴۷۲**	۰/۴۹۹**	۱		
اشتراک یادگیری	۰/۵۱۱**	۰/۴۸۴**	۰/۵۰۸**	۰/۴۷۷**	۰/۴۶۳**	۰/۴۴۲**	۱	
سلامت روان	۰/۵۱۸**	۰/۴۸۴**	۰/۵۲۹**	۰/۵۰۷**	۰/۴۹۶**	۰/۵۲۷**	۰/۵۰۳**	۱

جدول شماره ۱، ماتریس همبستگی پیرسون را برای بررسی رابطه فرهنگ مدرسه و مولفه های آن (رهبری همیارانه، مشارکت معلمان، توسعه حرفه ای، وحدت هدف، حمایت همکاران و اشتراک یادگیری) با سلامت روان دانش آموزان نشان

<sup>۱</sup> -Divayt & Gelazeyr

<sup>۲</sup> -Kinz

<sup>۳</sup> - Gruenert & Valentine

می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین متغیر فرهنگ مدرسه و سلامت روان رابطه مثبت وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون  $0/518$  بوده و در سطح  $0/01$  معنادار می‌باشد. همچنین؛ میزان ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای رهبری همیارانه و سلامت روان برابر با  $0/484$ ، مشارکت معلمان و سلامت روان برابر با  $0/529$ ، توسعه حرفه‌ای و سلامت روان برابر با  $0/507$ ، وحدت هدف و سلامت روان برابر با  $0/496$ ، حمایت همکاران و سلامت روان برابر با  $0/527$  و برای اشتراک یادگیری و سلامت روان برابر با  $0/503$  به دست آمده است که همه این روابط از لحاظ آماری معنادار می‌باشند ( $P < 0/01$ ). از این رو می‌توان گفت که با افزایش میزان مؤلفه‌های فرهنگ مدرسه دانش‌آموزان، میزان سلامت روان آن‌ها افزایش می‌یابد.

به منظور بررسی رابطه بین تعلق به مدرسه و سلامت روان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های تعلق به مدرسه و سلامت روان دانش‌آموزان

متغیرها	تعلق به مدرسه	روابط کلی	رابطه	رابطه دل‌بستگی‌های	سلامت روان
تعلق به مدرسه	۱				
روابط کلی	$0/437^{**}$	۱			
تعلق	$0/429^{**}$	$0/401^{**}$	۱		
دل‌بستگی‌های خاص	$0/466^{**}$	$0/441^{**}$	$0/45^{**}$	۱	
سلامت روان	$0/485^{**}$	$0/513^{**}$	$0/498^{**}$	$0/439^{**}$	۱

جدول شماره ۲، ماتریس همبستگی پیرسون را برای بررسی رابطه تعلق به مدرسه و مولفه‌های آن (روابط کلی، تعلق و دل‌بستگی‌های خاص) با سلامت روان دانش‌آموزان نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین متغیر تعلق به مدرسه و سلامت روان رابطه مثبت وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون  $0/485$  بوده و در سطح  $0/01$  معنادار می‌باشد. همچنین؛ میزان ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای روابط کلی و سلامت روان برابر با  $0/513$ ، تعلق و سلامت روان برابر با  $0/498$  و برای دل‌بستگی‌های خاص و سلامت روان برابر با  $0/439$  به دست آمده است که همه این روابط از لحاظ آماری معنادار می‌باشند ( $P < 0/01$ ). از این رو می‌توان گفت که با افزایش میزان مؤلفه‌های تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان میزان سلامت روان آن‌ها افزایش می‌یابد.

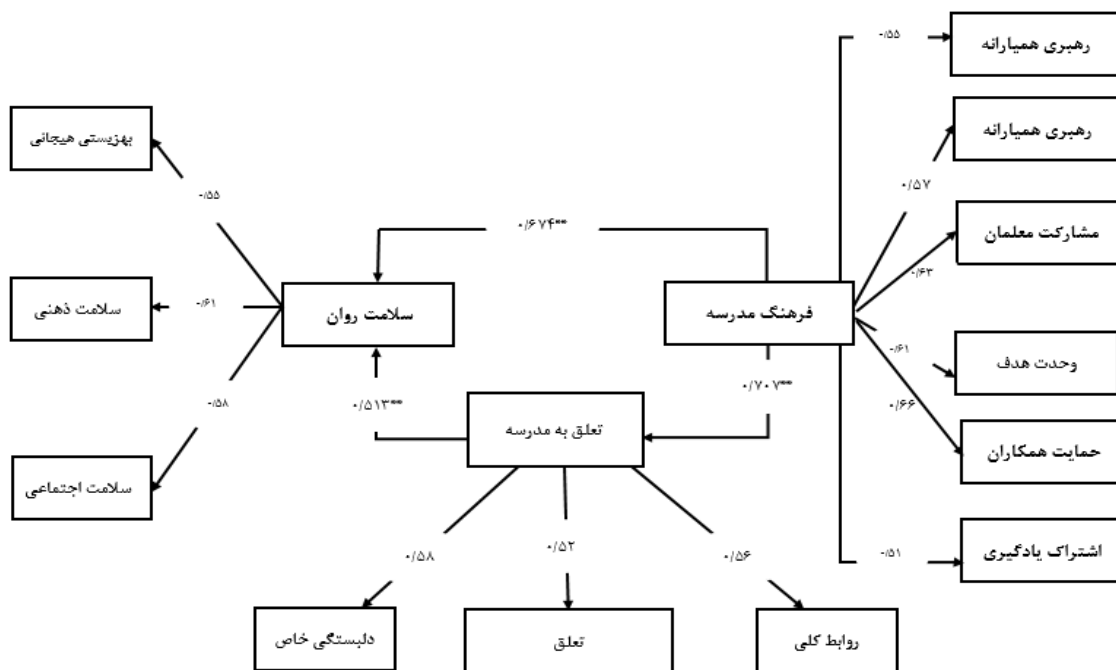
به منظور بررسی رابطه بین فرهنگ مدرسه و تعلق به مدرسه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین فرهنگ مدرسه و تعلق به مدرسه دانش آموزان

متغیرها	فرهنگ مدرسه	رهبری همیارانه	مشارکت معلمان	توسعه حرفه ای	وحدت هدف	حمایت همکاران	اشتراک یادگیری	تعلق به مدرسه
فرهنگ مدرسه	۱							
رهبری همیارانه	۰/۵۲۶**	۱						
مشارکت معلمان	۰/۵۰۷**	۰/۴۶۸**	۱					
توسعه حرفه ای	۰/۴۹۴**	۰/۴۳۹**	۰/۴۴۳**	۱				
وحدت هدف	۰/۵۰۲**	۰/۴۱۷**	۰/۴۳۹**	۰/۴۸۷**	۱			
حمایت همکاران	۰/۴۸۳**	۰/۴۵۸**	۰/۵۱۷**	۰/۴۷۲**	۰/۴۹۹**	۱		
اشتراک یادگیری	۰/۵۱۱**	۰/۴۸۴**	۰/۵۰۸**	۰/۴۷۷**	۰/۴۶۳**	۰/۴۴۲**	۱	
تعلق به مدرسه	۰/۶۰۴**	۰/۵۸۱**	۰/۶۱۷**	۰/۶۲۳**	۰/۵۹۲**	۰/۵۷۱**	۰/۶۰۱**	۱

جدول شماره ۳، ماتریس همبستگی پیرسون را برای بررسی رابطه فرهنگ مدرسه و مولفه های آن (رهبری همیارانه، مشارکت معلمان، توسعه حرفه ای، وحدت هدف، حمایت همکاران و اشتراک یادگیری) با تعلق به مدرسه دانش آموزان نشان می دهد. همان گونه که مشاهده می شود، بین متغیر فرهنگ مدرسه و تعلق به مدرسه رابطه مثبت وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ۰/۶۰۴ بوده و در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشد. همچنین؛ میزان ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای رهبری همیارانه و تعلق به مدرسه برابر با ۰/۵۸۱، مشارکت معلمان و تعلق به مدرسه برابر با ۰/۶۱۷، توسعه حرفه ای و تعلق به مدرسه برابر با ۰/۶۲۳، وحدت هدف و تعلق به مدرسه برابر با ۰/۵۹۲، حمایت همکاران و تعلق به مدرسه برابر با ۰/۵۷۱ و برای اشتراک یادگیری و تعلق به مدرسه برابر با ۰/۶۰۱ به دست آمده است که همه این روابط از لحاظ آماری معنادار می باشند ( $P < 0/01$ ). از این رو می توان گفت که با افزایش میزان مؤلفه های فرهنگ مدرسه دانش آموزان، میزان تعلق به مدرسه آن ها افزایش می یابد.

برای بررسی فرضیه نقش میانجی تعلق به مدرسه در رابطه بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان، از مدلسازی معادلات ساختاری از طریق AMOOS استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل در زیر ارائه شده است.



شکل ۱: مدل نهایی پژوهش

شکل شماره ۱، مدل نهایی نقش میانجی تعلق به مدرسه در رابطه بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان را نشان می‌دهد. در مدل سازی معادلات ساختاری قبل از اینکه مدل پذیرفته شود باید مشخص شود که آیا داده‌ها با مدل مفهومی پژوهش برازش دارد یا خیر. متخصصان شاخص‌های را به منظور بررسی برازش مدل ارائه داده‌اند. چنانچه شاخص‌های مدل با آنچه متخصصان ارائه داده‌اند همسو باشد می‌توان گفت که داده‌ها با مدل برازش دارد. در جدول زیر شاخص‌های برازش داده‌ها با مدل مفهومی ارائه شده است.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل نقش میانجی تعلق به مدرسه در رابطه بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان

مقدار شاخص	معادل فارسی	علامت اختصاری
۰/۸۹۷	شاخص برازش تطبیقی	CFI
۰/۹۴۵	شاخص توکر- لویس	TLI
۰/۹۲۷	شاخص برازش هنجار شده	NFI
۰/۹۱۲	شاخص نیکویی برازش	GFI
۰/۰۳۲	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA
۲/۶۷	کای اسکوتر بهنجار شده	CMIN/DF

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، شاخص کای اسکوتر بهنجار (CMIN/df) برابر با ۲/۶۷ است که مقادیر زیر ۳ مقادیر مناسبی برای برازش مدل می‌باشند و شاخص نیکویی برازش (GFI) معادل ۰/۹۱۲ می‌باشد. شاخص توکر-لویس (TLI) برابر با ۰/۹۴۵ می‌باشد، شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۸۹۷ می‌باشد و شاخص برازش هنجار شده (NFI) برابر با ۰/۹۲۷ می‌باشد که بالاتر بودن این مقادیر از مقدار ۰/۹ همگی نشان دهنده برازش خوب مدل می‌باشد. همچنین شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز برابر ۰/۰۳۲ بود که نشان دهنده این است که مدل به خوبی برازش یافته است.

جدول ۵: نتایج مدل سازی معادله ساختاری متغیرهای پژوهش

مسیرهای الگو	B	SE	t	اثر غیرمستقیم
تعلق به مدرسه به سلامت روان	۰/۵۱۲	۰/۲۵۱	۴/۱۶۳	-
فرهنگ مدرسه به تعلق به مدرسه	۰/۷۰۷	۰/۱۲۶	۵/۱۶۴	-
فرهنگ مدرسه به سلامت روان	۰/۶۷۴	۰/۱۱۷	۴/۲۳۹	۰/۳۶۲

جدول شماره ۵، نتایج مدل سازی معادله ساختاری مدل نهایی پژوهش را نشان می دهد. ضرایب الگوی پژوهش نشان می دهد که ضریب مسیر تعلق به مدرسه به سلامت روان برابر ۰/۵۱۲ می باشد و این نشان می دهد که با یک واحد افزایش در تعلق به مدرسه، سلامت روان به میزان ۰/۵۱۲ تغییر می کند. ضریب مسیر فرهنگ مدرسه به تعلق به مدرسه برابر ۰/۷۰۷ می باشد و این نشان می دهد که فرهنگ مدرسه به میزان ۰/۷۰۷ بر تعلق به مدرسه تأثیر مثبت دارد. ضریب مسیر فرهنگ مدرسه به سلامت روان برابر ۰/۶۷۴ می باشد و این نشان می دهد که فرهنگ مدرسه به میزان ۰/۶۷۴ بر سلامت روان تأثیر مثبت دارد. همان طور که در جدول مشاهده می شود، متغیر فرهنگ مدرسه علاوه بر تأثیر مستقیم، به طور غیرمستقیم نیز (از طریق تعلق به مدرسه) به اندازه ۰/۳۶۲ می تواند بر سلامت روان تأثیر بگذارد. از این رو می توان گفت که تعلق به مدرسه در رابطه بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان، نقش میانجی دارد.

## بحث و نتیجه گیری

نتایج فرضیه "بین فرهنگ مدرسه و سلامت روان دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون رابطه معناداری وجود دارد". نشان می دهد، با افزایش میزان مؤلفه های فرهنگ مدرسه دانش آموزان، میزان سلامت روان آن ها افزایش می یابد. بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می گردد. فرهنگ مدرسه شامل ارزش ها، نمادها، باورها و معانی مشترک ما بین والدین، معلمان، دانش آموزان و سایر دست اندرکاران تعلیم و تربیت به عنوان بخشی از جامعه بزرگ است. ارزشمندی امور برای این گروه از اعضای جامعه، و نیز چگونگی تفکر، احساس و رفتار آنان از معبر فرهنگ مدرسه تعیین می شود. رسوم، سنت ها، باورهای تاریخی، عادات، هنجارها، انتظارات، برداشت های گفته و ناگفته مشترک، و نیز مفروضه های مشترک، شالوده فرهنگ مدرسه محسوب می شوند. درک، پذیرش و اقدام در جهت انسجام فرهنگ مدرسه، راه رسیدن به اهدافی که مدرسه دنبال می کند را هموار می سازد. دانش آموزان بخش زیادی از زمان خود را در مدرسه می گذرانند که هم عامل خطر و هم عامل محافظتی برای سلامت روان آنها است. فرهنگ مدرسه حمایتی می تواند با ایجاد تجارب ایمنی و تعلق در بین کارکنان و دانش آموزان، سلامت روان را ارتقا دهد و از آنها محافظت کند. مدیران مدارس باید انرژی بیشتری را برای توسعه فرهنگ مثبت و مشارکتی در مدرسه اختصاص دهند تا بتوانند زمینه را برای رشد سطح سلامت روان دانش آموزان تسهیل کنند. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش رنج دوست و نوبری امین (۱۴۰۱)، بارکر و همکاران (۲۰۲۳) و جسیمان و همکاران (۲۰۲۲) همخوانی و مطابقت داشته و در یک راستا بوده اند.

نتایج فرضیه "بین تعلق به مدرسه و سلامت روان دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون رابطه معناداری وجود دارد". نشان می دهد با افزایش میزان مؤلفه های تعلق به مدرسه در دانش آموزان میزان سلامت روان آن ها افزایش می یابد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق تأیید می گردد. مدرسه فضای اجتماعی خاصی است که آموزش، پرورش و رشد شخصیت کودکان که جامعه ساز فردا هستند، در پناه روش های صحیح و مناسب آموزش، محیط فیزیکی مطلوب و محیط روانی مساعد آن پایه گذاری و اداره می شود. بیان می کنند که تعلق به مدرسه باعث افزایش رفتار اجتماعی و درگیری تحصیلی در مدرسه می شود. تعلق به مدرسه را می توان پیوند، ارتباط عاطفی مثبت، تعهد و سرمایه گذاری شخصی نسبت به مدرسه، حضور، مشارکت، تلاش و ارتباطات روان شناختی با محیط مدرسه دانست. در نظریه یادگیری اجتماعی، مدارس به عنوان مهم ترین عامل اجتماعی در تجربه کردن روابط تعلق عمل می کنند. تعلق به مدرسه، یکی از متغیرهایی است که تأثیر زیادی بر وضعیت تحصیلی، رفتاری و روان شناختی دانش آموزان دارد. سطح تعلق به مدرسه به دلیل این واقعیت مهم است که سطوح بالاتر تعلق، دانش آموزان را از نظر علمی، رفتاری و روانی آماده می سازد و سطوح پایین تر تعلق، باعث ایجاد تجربیات نامطلوب در دانش آموزان از نظر



تحصیلی، رفتاری و روان شناختی می گردد. نتایج این فرضیه نشان داد که وقتی که میزان تعلق دانش آموزان به مدرسه بیشتر می شود و احساس رضایت و آرامش بیشتری از حضور در مدرسه کسب می کنند، بهزیستی هیجانی و سلامت ذهنی و سلامت اجتماعی آنان و بطور کلی؛ سلامت روان آنها بیشتر می شود. با توجه به نقش معلمان و دانش آموزان و ارتباط متقابل بین آنها، متولیان آموزش و پرورش می بایست توانمندسازی معلمان و دانش آموزان در رابطه با مؤلفه های مذکور در نظر بگیرند. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش فتاحی نافچی و گروسی (۱۴۰۲)، فکوری کلیدبری (۱۴۰۲) و آلن و همکاران (۲۰۲۴) همخوانی و مطابقت داشته و در یک راستا بوده اند.

نتایج فرضیه "بین فرهنگ مدرسه و تعلق به مدرسه دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان کازرون رابطه معناداری وجود دارد." نشان می دهد با افزایش میزان مؤلفه های تعلق به مدرسه در دانش آموزان میزان فرهنگ مدرسه آن ها افزایش می یابد. بنابراین؛ فرضیه سوم تحقیق تأیید می گردد. فرهنگ مدرسه از جمله موضوعاتی است که در جامعه ی آموزشی ما کمتر به آن پرداخته شده است و فرهنگ همچون شخصیت است به این معنا که هر گونه فعالیتی که در مدرسه انجام شود تحت تاثیر فرهنگ آن مدرسه قرار دارد و برگرفته از آن است. والدین و دانش آموزان همواره مشتاق و به دنبال روح خاصی در مدارس هستند. دانش آموزانی که در چندین مدرسه حضور داشته اند می توانند بی درنگ فرهنگ را همان طوری که در حال فعالیت و تاثیر گذاری اسنت به عنوان بخشی از ترکیبی از همه ی این فرهنگ ها را انتخاب کنند. آنها می دانند همه چیز در یک راه مثبت یا منفی متفاوت است. نتایج نشان داد که اگر مدیر مدرسه به ایده های معلمان ارج می نهد، درصد دریافت اطلاعات آنان است، کارکنان را در تصمیم گیری ها درگیر می کند؛ همکاران به یکدیگر اعتماد داشته باشند و هنگام انجام وظایف سازمان به همدیگر یاری برسانند؛ معلمان و اولیا انتظارات مشترک خود را با هم در میان بگذارند؛ معلمان بدنبال ایده های نو و سایر منابع حرفه ای به منظور تداوم دانش روز بویژه دانش مرتبط با کنش های آموزشی باشند؛ و...، موجب می شود تا میزان تعلق به مدرسه دانش آموزان افزایش یابد. به منظور ایجاد انسجام بیشتر بین مدرسه و خانواده توصیه می شود آموزش مؤلفه های انگیزشی - تعلق به مدرسه به جامعه هدف (دانش آموزان دوره ابتدایی) صورت گیرد و به نیازهای روانشناختی دانش آموزان در مدرسه به خصوص در تعامل با معلم توجه گردد همچنین زمینه هر چه بیشتر فعالیت هایی در قالب بازی و یادگیری را برای دانش آموزان فراهم نمایند تا آنان به مدرسه تعلق پیدا کنند و در نهایت از این طریق یعنی روش بازی و یادگیری در فعالیت های یادگیری بیشتر درگیر شوند. معلمان و مسئولان مدارس می توانند با برگزاری فعالیت های فوق برنامه، تمرین های یادگیری تیمی، یادگیری مشارکتی و گروهی، به بهبود روابط دانش آموزان و ارتقای فرهنگ مدرسه، سلامت روان و افزایش حس تعلق به مدرسه کمک کنند. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش نیکدل تیموری و جناآبادی (۱۳۹۹)، همخوانی و مطابقت داشته و در یک راستا بوده اند.

## ملاحظات اخلاقی

- اخذ رضایت آگاهانه از مشارکت کنندگان.
- محرمانه نگه داشتن نام و اطلاعات شخصی افراد
- صداقت، امانت و رعایت حقوق مولفین در استفاده از منابع

## حامی مالی

هزینه های مطالعه حاضر از سوی نویسنده مقاله تامین شد.

## تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنده مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

## References

- Allen, K.A., Greenwood, C.J., Berger, E. (2024), Adolescent School Belonging and Mental Health Outcomes in Young Adulthood: Findings from a Multi-wave Prospective Cohort Study. *School Mental Health* 16, 149–160 (2024). <https://doi.org/10.1007/s12310-023-09626-6>.
- Badri Gregari, Rahim; Adib, Yusuf; Hashemi, Toraj; Irfani Adaab, Elham (2023), the effectiveness of teaching strong children's social-emotional learning program on the sense of belonging to the school of elementary school students in privileged and deprived areas of Hamadan city. *Child Mental Health Quarterly*, Volume 6, Number 4. ( In Persian).
- Ranjdoost, Shahram and Nobari Amin, Samra (2022), School culture and students' mental health: a qualitative study, 4th National Conference of Professional Research in Psychology and Counseling from the teacher's perspective. ( In Persian).
- Fatahi Nafchi, Samia; Grossi, Tahereh (2023), Prediction of effective factors in the mental health of students at school, *Journal of Mental Health at School*, Volume: 1, Number: 1. ( In Persian).
- Barker, R., Hartwell, G., Egan, M., & Lock, K. (2023), The importance of school culture in supporting student mental health in secondary schools. Insights from a qualitative study. *British Educational Research Journal*, 49(3), 499–521. <https://doi.org/10.1002/berj.3853>
- Jessiman, P., Kidger, J., Spencer, L. et al. (2022), School culture and student mental health: a qualitative study in UK secondary schools. *BMC Public Health* 22, 619 (2022). <https://doi.org/10.1186/s12889-022-13034-x>
- Langford R, Bonell C, Jones H, Poulidou T, Murphy S, Waters E, Komro K, Gibbs L, Magnus D, Campbell R. (2023), The World Health Organization's Health Promoting Schools framework: a Cochrane systematic review and meta-analysis. *BMC Public Health*. 15(1):1–5.
- Moutoun, M.A., Vayt, D. , (2013), “A mismatch between what is happening on the inside and going on, on the outside”: a qualitative study of therapists' perspectives on student mental health. *Int J Ment Health Syst* 15, 87 (2021). <https://doi.org/10.1186/s13033-021-00508-5>
- Van Houtte M, Van Maele D. (2021), The black box revelation: in search of conceptual clarity regarding climate and culture in school effectiveness research. *Oxf Rev Educ*. 37(4):505–24. [doi.org/10.1080/09243450500113977](https://doi.org/10.1080/09243450500113977)
- World Health Organization.(2017), Global school health initiatives: achieving health and education outcomes: Report of a meeting, Bangkok, Thailand, 23–25 November 2015. World Health Organization; 2017.
- Xianpeng Tian, Xiangwei Liu, Zhiqi Xiao & Qiao Lin. (2023), Undergraduates' Negative Emotion and Academic Procrastination During COVID-19: Life Autonomy as a Mediator and Sense of School Belonging as a Moderator, *Psychology Research and Behavior Management*, 16:, 3151-3169, DOI: [10.2147/PRBM.S413738](https://doi.org/10.2147/PRBM.S413738).
- Fakuri Keyldbari, Hamideh (2023), the role of schools and the health and mental health of students, the third national conference of applied ideas in educational sciences, psychology and cultural studies. ( In Persian).
- Nikdel Timuri, Anis and Janabadi, Hossein (2019), The role of school culture in predicting students' sense of belonging to school, *School and Education Psychology Quarterly*, Volume: 9, Number: 3. ( In Persian).

## The relationship between school culture and students' mental health with the mediating role of sense of belonging to school

Hadadniya Sirous<sup>1\*</sup>  
Mirtalebiyan Zeynab<sup>2</sup>

### Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between school culture and students' mental health with the mediating role of sense of belonging to the school of elementary school students in Kazeroon city. This research was applied in terms of purpose, descriptive-correlative in terms of nature and method, and cross-sectional in terms of time. The statistical population in this study was all the elementary school students of Kazerun city (3500 people), and using the Morgan-Karjesi table, the number of the statistical sample was considered to be about 346 people, and the sampling method was simple random. In this study, the standard questionnaires of Mouton et al.'s (2013), Keyes' mental health (2002) and Grunert and Valentine's (1999) school culture questionnaires were used. The content validity of all three questionnaires was confirmed by the experts, and its reliability was determined after a trial run among 30 students by calculating Cronbach's alpha for three questionnaires, respectively 0.84, 0.89 and 0.87. In order to answer the research questions, Pearson correlation tests and path analysis and SPSS and Amos software were used. The results of Pearson's correlation test showed that school culture and belonging to school had a significant relationship with students' mental health. Also; There was a significant relationship between school culture and belonging to school. The results of path analysis showed that belonging to school had a mediating role in the relationship between school culture and students' mental health..

**Keywords:** School culture, mental health, belonging to school.

---

<sup>1</sup> - Nourabad Mamasani Branch, Islamic Azad university, Nourabad Mamasani, Iran.

\*- Corresponding Author email: S\_hadadnia@yahoo.com

<sup>2</sup> - Master's student in Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Nourabad Mamasani branch, Nourabad Mamasani, Iran.